



# میلااد نو... میلااد شکوفه ها

گزارش: ملوک خادمی

از طریق دوستان خیردار شدم کار جالبی در زمینه آموزش قبیل از دبستان در تالار وحدت انجام گرفته است، تصمیم گرفتم بدیدن برنامه بروم و در صورت امکان گزارش کوتاهی تهیه کنم. پیش از رفتن تصور برگزاری یک نمایشگاه کوچک را داشتم. بطرف تالار وحدت محل برگزاری نمایشگاه حرکت کردم، نزدیکی های تالار ازدحام زیادی مشاهده میشد، ابتدا فکر کردم اشتباه آمده ام و یا در کنار این نمایشگاه برنامه دیگری نیز در تالار اجرا میشود، اما با نزدیکتر شدن و سؤال کردن متوجه شدم برنامه دیگری غیر از میلااد شکوفه ها اجرا نمیشود و این ازدحام جهت همان نمایشگاه است، با این حساب باید کاری بیش از برگزاری یک نمایشگاه باشد، حتی در این صورت نیز استقبال مردم از یک کار فرهنگی، هنری که از طرف آموزش

و پرورش ارائه میشود بی سابقه است. البته غیر از استقبال مردم که بی سابقه است ارائه کاری این چنین نیز کم سابقه است. ارضای حس کنجکاوی عجله بیشتری می طلبید. با وجود ازدحام زیاد در محوطه بیرونی نمایشگاه، نظم خاصی مشاهده میشود، کارها تقسیم شده است، بچه هایی که با والدین خود وارد محوطه میشوند، در یک قسمت از آنها جدا میشوند و کارتی به سینه آنها نصب میشود و کارت مشابهی نیز به والدین داده میشود، بعضی از والدین علت این امر را می پرسند، مسئول مربوطه توضیح می دهد که چون برنامه کودکان برنامه ویژه ای است و ظرفیت پذیرش والدین و مربیان را ندارد، آنها جدا گانه از برنامه های مربوط به خود دیدن خواهند کرد که مجموعاً ۱/۵ ساعت طول می کشد و در پایان

این زمان در همین محل تحویل والدین خود خواهند شد، در این فاصله والدین می توانند از قسمت های دیگر برنامه که خاص آنان است دیدن کرده یا در صورت نگرانی نسبت به بچه ها بوسیله تلویزیون مدار بسته ای که در سالن می باشد دیدار بچه ها از نمایشگاه را تعقیب نمایند. عده ای در حال خروج از نمایشگاه بودند و چون من دزئوبت ورود بودم از چند نفر پرسیدم خوب چطور بود؟ عده ای گفتند کار فوق العاده ای است، خیلی خوب بود، ما لذت بردیم، بچه ها لذت بردند و پدر دیگری می گفت: نمایشگاه مرا تکان داد من تا بحال غافل بودم، خواب بودم با دیدن این نمایشگاه بیدار شدم و احساس می کنم به بچه هایم ظلم کرده ام و امیدوارم این ظلم ادامه پیدا نکند، من کمی دیر رسیده بودم و باز دید آقای دکتر حداد عادل به پایان رسید.



بود و ایشان در حال خروج از نمایشگاه بودند؛ فقط توانستم نظرشان را پرسم، ایشان گفتند از دو جهت فوق انتظار من بود یکی از جهت محتوا و برنامه و دیگری از جهت استقبال مردم و اضافه کردند از سفری که به زان رفته بودم غبطه می خوردم که کاش ما نیز چنین کارهایی انجام می دادیم و حالا می بینم این کار بر مراتب از کیفیت بهتری برخوردار است و من حالا احساس غرور می کنم با این تعاریف اشتیاقم بدیدن نمایشگاه بیشتر شده بود، با راهنمایی یکی از مسئولین بدیدار نمایشگاه رفتم، از اهداف برگزاری نمایشگاه پرسیدم و ایشان توضیح دادند که در این مجموعه به سنین قبل از دبستان اهمیت داده شده بخاطر اینکه این دوره اساس و پایه مقاطع و دوره های بعدی است و در مجموع آموزش و پرورش کمتر به آن توجه شده و ما با این حرکت خواستیم توجه و حساسیت به این دوره معطوف شود چه از طرف مربیان و والدین و چه از طرف دست اندرکاران آموزش و پرورش. شاید وضع موجود مهد کود کها و آمادگیها انگیزه دیگری جهت این اقدام بوده است.

البته تشکیل این نمایشگاه اقدامات زمینه سازی داشته است که در این فرصت کم قابل توضیح نیست اما کوششهای زیادی

در سطح منطقه ۱۴ با هماهنگی و همیاری همه مسئولان مقاطع و مدارس و نیروهای موجود در منطقه به سرپرستی آقای کیاباشا صورت گرفته است، دو عامل اساسی که این تلاشها را به نتیجه رسانده یکی برنامه ریزی صحیح و دیگری بکار گرفتن همه نیروهای مستعد در سطح منطقه بوده است و بخاطر انتقال این کوششها چنین نمایشگاهی تشکیل شده است.

نمایشگاه از دو بخش عمده تشکیل شده بود یک بخش برای اولیاء و مربیان و یک بخش جهت نوآموزان، بخش خاص اولیاء شامل سخنرانیهای مربوط به آموزش و تربیت قبل از دبستان، نمایش فیلم، نمایشگاه کتاب و وسائل آموزشی مربوط به پیش از دبستان و در بخش نوآموز، نمایش عروسکی - اجرای سرود - نمایش فیلم - غرفه فعالیت نوآموزان...

کنجکاو شدم بدانم نمایشگاهی با این وسعت چقدر هزینه داشته است توضیحاتی که شنیدم بر تحسینم نسبت به دست اندرکاران نمایشگاه افزود، مخارج نمایشگاه بسیار کمتر از آن بود که من اندیشیدم و بخش عمده آنهم با همکاری مردم تأمین شده بود.

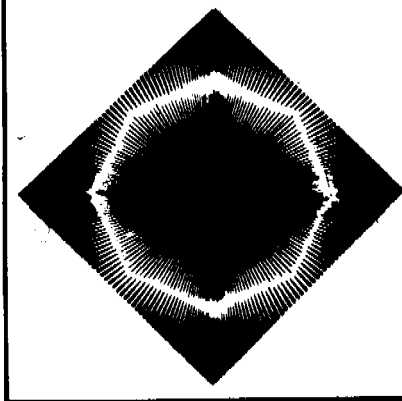
راجع به برنامه های آینده از همراهم

می پرسم می گوید: در آینده نزدیک سمیناری تشکیل خواهد شد بخاطر سئوالات زیادی که مردم مطرح کرده اند. این سمینار در زمینه ضرورت و شیوه های آموزش پیش از دبستان است و هدف آن انتقال اطلاعات و تجارب بدست آمده به مربیان و والدین علاقمند می باشد، ما نیز توضیح مفصل این برنامه را به گزارش آینده ماکول می کنیم تا با تماسهای بیشتر با مسئولان طرح و مسئولان اجرایی برنامه بطور دقیق و مفصل به شرح برگزاری طرح و جوانب آن و نیز برنامه های آتی منطقه بپردازیم.

در پایان با آرزوی موفقیت روزافزون مسئولان و دست اندرکاران برگزاری نمایشگاه تلاش و کوشش آنان را ارج می نهیم که ثابت کردند آموزش و پرورش نیروهای ارزنده ای در خود دارد که با عنایت بیشتر به آنان و برنامه ریزی می توانند راهگشای تعلیم و تربیت کشور در ابعاد مختلف باشند.

از نمایشگاه خارج می شوم کسی می پرسد چطور بود؟ می گویم فوق العاده است خدا توفیقشان بدهد.

### هسته مشاوره تربیتی



زبان و مظهر سومی، ارکان بدن. پس پرورش ایمان به این معنی خواهد بود که سه استوانه آن را برافراشته سازیم. اکنون به شیوه‌هایی که در هریک از این سه مرحله، باید بکار بست، اشاره می‌کنیم:

#### اعتقاد:

در این مرحله، هدف ما آن نیست که در کسی اعتقاد بوجود آوریم؛ چه که اعتقاد، دادنی نیست، بافتنی است. آنچه ما بدان مأموریم، دادن وصف صحیح و جاذبی است از خدا و آنچه باید مورد اعتقاد قرار بگیرد. صحیح یعنی آنچه‌ای که خدا خود، نشان داده، و جاذب، یعنی متناسب با ظرفیت فرد و وضع و حالی که او دارد؛ و این دو، از شروط «بلاغ مبین» هستند که ما در مقام هدایت، بدان مکلفیم. اگر ما از نزد خود و با گمان خود، وصف کنیم، مصلّت خواهد بود نه مبین؛ و اگر وضع و حال فرد را لحاظ نکنیم، علاوه بر آنکه مبین نیست، بلاغ نیز نخواهد بود. هنگامی حق ابلاغ، ادا می‌شود که سخن، مطابق شأن گفته شود.

براین اساس، مربی برای بوجود آوردن زمینه اعتقاد، هم باید معارف خویش را درست بشناسد و هم مخاطب خویش را. عدم توفیق ما در این کار، به یکی از دو عامل مزبور، بستگی دارد؛ یا آنچه را می‌خواهیم بگویم درست نمی‌شناسیم و آمیخته با مشهورات ناصحیحی که در زبان عامه است، طرح می‌کنیم و یا حال و زبان

مخاطب را نمی‌دانیم و چیزی را که او نسبت به آن، انگیزه‌ای ندارد، به میان می‌آوریم. اما آنچه از معارف، برای این کار، باید آموخت، مواردی است همچون: حضور خداوند و شهادت او بر کل هستی، حب بی‌بایان خداوند نسبت به بندگان و صلاح و هدایت آنها، زوال پذیری دنیا و متعلقات آن، فرصت دادن خداوند به بندگان، برای تصحیح خطاها و گناهان، توبه‌پذیری خداوند، افشای رازها در آخرت، تجسم صحنه‌های مختلف زندگی در حیات آخرت و نظایر آن.

وظیفه دشوارتر مربی در گام بعدی است؛ یعنی در نحوه طرح این مسائل و چگونگی تقدیم و تأخیر در گردن زدن آنها معیار ما در گردن زدن یکی از این مباحث و طرح آن برای دانش آموز، مسائل عملی و حوادث واقعی زندگی اوست و این همان اصلی است که در نزول آیات، کاملاً لحاظ شده است و خداوند، هر آیه و سوره‌ای را به تناسب شأن و مقامی از امور مسلمانان، نازل فرموده است و سرتأثیر آیات الهی نیز در همین امر نهفته است.

ما با نزدیک شدن به زندگی دانش آموز و آشنایی با نیازها و آرزوهایی که دارد و حوادثی که برای او رخ داده است و میدهد، خواهیم توانست، تناسب مباحث مزبور را مشخص کنیم. در هریک از مسائل دانش آموز، نکته‌هایی نهفته است که باید از آن‌ها بهره برد؛ در قهرها و آشتی‌های او با دوستانش، در افشا شدن یکی از اسرار او، در حادثه مرگ یکی از بستگانش، در بی بردن به بی وفایی دوستانش و هزاران نمونه دیگر، فراوان می‌توان برای طرح معارف الهی، زمینه یافت. این معیار اصلی ما برای نفاذ ساختن اندیشه‌های مذهبی و فراهم آوردن زمینه، جهت اعتقاد به آن‌هاست.

#### اقرار:

اقرار، به زبان آوردن اعتقادات است و گرچه زبان در این امر، مجرای اعتقاداتی است که در دل نشسته، اما خود نیز، مایه استوارتر شدن اعتقادات در قلب است. این مصاحبت شگفت آوردل و زبان، چیزی است که جایگاه «ذکر» را در اصلاح انسان، نشان می‌دهد. ذکر لفظی که نوعی اقرار به معتقدات خود، در نزد خویش است، چون حصاری برگرد نهال‌های نوپایی که در همسیر انسان رسته‌اند، به محافظت آنها

و باروری آنها می‌پردازد.

هرگاه باوری هر چند ضعیف در دل متربی نشسته باشد، می‌توان ذکر را به مثابه مانعی از قدم گذاشتن به مفاسد به او آموخت و بر بهره‌وری از آن ترغیب نمود. امام رضا (ع) طبق نقلی که «فضل بن شاذان» از آن حضرت نموده، در پاسخ به این سؤال که چرا خداوند ما را به اقرار به وجود خود و ملائکه‌اش و رسولانش و حجت‌هایش و آنچه فرو فرستاده، امر نموده است، می‌فرماید:

«زیرا کسی که به خدای عزوجل، اقرار و اعتراف نکند، از گناه نسبت به او اجتناب نخواهد کرد... پس چون استواری زندگی مردم و صلاح آنان، جز با اقرار آنان نسبت به خداوندی که علیم و خبیر است و پنهان و پنهان‌تر را می‌داند... میسر نیست، بنابراین در نتیجه آن، از انواع فساد که در خلوت انجام می‌دهند، منجز خواهند شد»

#### عمل:

تأثیری که اقرار در تحکیم اعتقادات داشت، در مورد عمل، دو جنبه آن می‌شود. مبادرت به عمل صالح، در انسان شورو شوقی می‌آفریند و خود به روشنی دل و معتقدات قلبی می‌انجامد.

اما آنچه یک دانش آموز مبتلا به انحراف جنسی را از به عمل در آوردن اعتقادات باز می‌دارد و حتی نسبت به آنها بددل می‌گرداند، همین دچار بودن او به انحراف جنسی است. فردی که خود را گرفتاریک گناه می‌بیند، رغبتی به انجام اعمال صالحه ندارد و حتی ممکن است از نماز خواندن هم منصرف گردد.

برای موفق ساختن چنین فردی به عمل صالح، باید موانع اصلی را از پیش پای او برداشت. آنچه می‌تواند ما را در رفع این موانع یاری دهد، بهره گرفتن از شیوه‌هایی است که در شریعت الهی برای عطف توجه بنده نسبت به خدا معرفی شده است. ما در اینجا به معرفی سه شیوه اصلی می‌پردازیم:

#### توبه:

خداوند برای زدودن آثار سوء گناه (همچون احساس گناه مرضی که قبلاً توضیح داده شد)، راهی را برای انسان باز گذاشته بنام توبه. باید این راه و حدود و ضوابط آن را به نیکی آموخت و آن را به دانش آموز معتقدی که گرفتار انحرافات

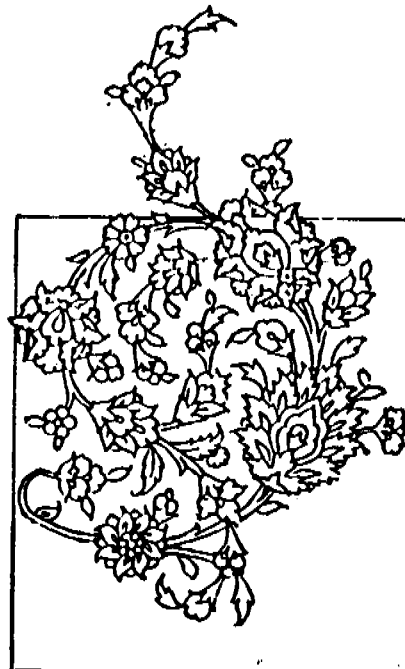
نشانی شده، معرفی نمود. با توجه به اینکه مصمم چنین افرادی بارها نقض می شود، به تنها راهی است که می تواند پیوند آنها با خدا حفظ کند. اگر آنها بدانند که خداوند همیشه از بنده خاطی استقبال می کند، از او روی گردان نخواهند شد و اگر بدانند که «انسان تائب همچون کسی است که اصلاً گناهی مرتکب نشده»<sup>۱۱</sup> روی بازگشت را خواهند داشت.

### رهیز از تسویف:

یکی از گریزگاههای انسان از بازگشت به خدا، احاله کردن تصمیم بر ترک گناه ماموکول کردن توبه، به آینده است. این باید به دانش آموز آموخت که با توجه به خصیصه های روانی انسان و طبیعت خاصی که گناه دارد، به تأخیر انداختن تصمیم تسویف، یک شکست قطعی است. بنابراین باید به محض یافتن کوچکترین مکان، از آن بهره گرفت. از همین روست که امام علی (ع) می فرماید: «از محول کردن عمل به آینده (تسویف) بپرهیزید و هرگاه امکان یافتید، فوراً بدان اقدام کنید»<sup>۱۱</sup>

### جمع خوف و رجاء:

همانطور که انسان شکست خورده و مأیوس را می توان با رجاء به لطف خداوند به عمل صالح فرا خواند، مؤمن جسور و بی مبالا را نیز با خوف از قهر اومی توان از



نقض عمل صالح بازداشت. این دو بال ایمان را به تناسب حال کسی که می خواهیم او را هدایت کنیم، باید بکار گیریم. اگر خواستیم توبه پذیری خداوند، فرد را جری نکنند و کثرت گناهان، وی را از رحمت خدا مأیوس نسازد، باید بین خوف و رجاء جمع کنیم و با دقت و تناسب از این دو استفاده کنیم.<sup>۱۲</sup>

«والسلام»

پاورقی:

1- Encyclopedia of psychology, Search press.

London, H.J. Eysenck and W. Arnold

(Eds), 1972P. 210

2 - Voyeurism

3 - DSM III Psychosexual Disorders, P. 273.

۴- در مواردی که اختلالات عقلی در انحرافات

جنسی، نقش داشته باشد، از ابتدا کار درمان با روانپزشک است.

5 - Exhibitionism

6 - Fétichism

۷- بی مناسبت نیست که در اینجا اشاره ای به روش های معمول در روانپزشکی برای روان درمانی انحرافات جنسی داشته باشیم. عمدتاً این شیوه در دو مکتب روانکاوی و رفتارگرایی وجود آمده است.

روانکاواها معتقد به کشف ریشه های روانی انحرافات جنسی هستند و از بین بردن علائم رفتاری بیماری را کافی نمی دانند. بی جویی ریشه های این انحرافات توسط عقده های روانی که در روانکاوی مشخص شده مثل عقده ادیپ و شیوه های خاص روانکاوی صورت می گیرد. این روش علاوه بر مسائل دیگر به علت طولانی بودن و پرهیز بودن کمتر مورد استقبال قرار گرفته است و در مقابل، شیوه های رفتارگرایان چون فقط به از بین بردن علائم اکتفا می کنند، از این نظر بیشتر مورد توجه قرار گرفته است.

رفتارگرایان معتقدند که اگر ما بتوانیم خود را نسبت به شرایط دیگری که مقابله با شرایط انحرافات جنسی است، شرطی کنیم رفتار مزبور کنار گذاشته خواهد شد. در این مورد به دو روش اشاره می کنیم که یکی به اصطلاح به رفتارگرایی سنتی و دیگری به جریان نسبتاً جدیدی در رفتارگرایی منتسب است. در رفتارگرایی سنتی (که اسکینر نیز نوعی ادامه دهنده آن است) شرطی کردن از طریق محرک های بیرون نسبت به رفتارهای مشهود صورت می گیرد (Overt Conditioning) که خود اسکینر عمدتاً از تقویت مثبت و منفی و خاموش کردن استفاده می کند. در جریان جدید رفتارگرایی، شرطی کردن از طریق محرک های درونی (مثل تخیل) به کمک شرایط بیرونی صورت می گیرد.

( Covert Conditioning ) . «ولپسی»

و «بندورا» از جمله کسانی هستند که به این نوع شرطی کردن پرداخته اند. به عنوان مثال در برخورد با یک منحرف جنسی که به سادیسیم دچار است، ابتدا به اومی گویند یک زنی را تصور کند که با طناب به درخت بسته شده است. بیمار با این تصور در هجوم تمایلات سادستی خویش قرار می گیرد، آنگاه یک محرک چندش آوری (مثل یک ظرف ادراک که به او تعارف می شود) به همراه تخیلات او به او ارائه می کنند تا بدین ترتیب هرگاه تخیلات مشابه پیش آمد، عکس العمل او در مقابل محرک مزبور تکرار شود.

M.J. Mahoney, Cognition and Behavior modification, p. 99

۸- قال النبی: «اللهم لا اُحصى ثناءً علیک الا بما اثنیت علی تعبیک»

۹- عیون اخبار الرضا ج ۲ ص ۱۰۰-۹۹: «فصلُ بنِ ساذان، نفلًا عند (ع) فان قول [قائل]: لِمَ اُمرَ الخلیقُ بالاقرار باللَّو و برُسُلِهِ و بِحُجَّتِهِ و بما جاء من عند الله عزوجل؟ قیل: ... بینها انَّ مَنْ لَمْ یُعزَّ بالله عزوجل لَمْ یَجْتَنِبْ مَعاصِیة... فلو لَمْ یکن قوام الخلق و صلاحُهم الا بالاقرار منهم بتعلیم خبیر یعلم الشر و اُخفی... لَیَكونَ فی ذلک انزجارٌ لهم عما یخلون به من انواع الفساد»

۱۰- الکافی، باب التوبه عن ابی جعفر (ع): الثائب من الذنب کمن لا ذنب له»

۱۱- البحار ج ۱۰ ص ۱۱۱: الامام الصادق (ع) عن امیر المؤمنین (ع): ایاکم و تسویف القتل، بأیروا به اذ اُکتکم»

۱۲- نهج البلاغه ص ۸۸۷: «و ان اشتغلتم ان تبتدئ خوفکم من الله وان یحسن ظنکم به فاجتمعا بینهما»